

## روند انتفاضه و دستاوردهای فلسطینیان

### مقدمه

آورده اند و چه هزینه هایی را پرداخت کرده اند.

### الف) فرصت ها

#### ۱- افزایش محبوبیت عرفات

اگر پاره ای از ملاحظات سیاسی را نسبت به شخصیت عرفات کنار بگذاریم و از دیدگاه فلسطینیان ساکن مناطق اشغالی به رییس حکومت خودگردان بنگریم، وی شخصی است که در میان مردم از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد. هر چند قبل از مذاکرات کمپ دیوید دوم، محبوبیت عرفات به میزان ۳۱ درصد سقوط کرده بود، اما پس از شکست مذاکرات کمپ دیوید، محبوبیت وی روند صعودی به خود گرفت و به میزان ۴۶ درصد رسید. این میزان

در حالی که انتفاضه الاقصی وارد پنجمین ماه خود شده است، اوضاع همچنان در سرزمین های اشغالی متشنج و شعله های انتفاضه، فروزان است. اخبار رسانه های گروهی جهان و منطقه حاکی از آن است که عرفات، مسئول شعله ور شدن انتفاضه و کلید خاموش کردن آن نیز تنها در دست وی است. هدف نوشتار حاضر این نیست که موضوع مذکور را رد یا تأیید کند و یا علت تداوم انتفاضه را مورد کنکاش قرار دهد، بلکه در پی بررسی این مسأله است که پس از گذشت چند ماه از انتفاضه الاقصی و تداوم درگیریها در سرزمین های اشغالی، عرفات چه دستاوردی داشته است. به عبارت دیگر، عرفات و فلسطینیان چه فرصت هایی را به دست

محبوبیت بعد از آغاز انتفاضه الاقصی و عدم برخورد عملی نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان با تظاهرکنندگان باعث گردید که میزان محبوبیت وی کمی افزایش یابد.

در عالم سیاست، دیکتاتورترین و فاسدترین دولتمردان نیز می کوشند تا ضمن اعمال حاکمیت خود بر مردم، حمایت و پشتوانه مردمی را که بر آنها حکومت می کنند نیز جلب کنند.

رئیس حکومت خودگردان نیز از این قاعده مستثنی نیست. او در پی شعله ور شدن انتفاضه، بر این موج توفنده سوار شد و با کنترل و حمایت ضمنی از آن، سعی کرد محبوبیت از دست رفته خود را که تا پیش از انتفاضه به پایین ترین حد خود رسیده بود جبران کند و وضعیت خود را در میان فلسطینیان بهبود بخشد.

## ۲- عقب نشینی باراک از خطوط قوز

پس از آن که باراک متوجه گردید که با توسل به حربه هایی نظیر تشدید حملات نظامی، از سرگیری مذاکرات، تحریم اقتصادی، تشکیل

کابینه امنیتی و اضطراری، و اقداماتی از این قبیل قادر نخواهد بود انتفاضه الاقصی را کنترل و متوقف سازد، در یک اقدام کاملاً حساب شده، از پست نخست وزیری استعفا داد تا با جلو انداختن انتخابات اسرائیل، انتخاب مجدد خود را تضمین و تسهیل کند. اما برای نیل به این هدف، می بایست به گونه ای وانمود کند که در حال اعطای امتیاز به فلسطینیان است. بر همین اساس، باراک مجبور شد از خطوط قرمز خویش که در مذاکرات کمپ دیوید مطرح کرده بود عقب نشینی کند. برای مثال باراک حاضر شد زمین های بیشتری نسبت به آنچه که در مذاکرات کمپ دیوید پیشنهاد کرده بود در اختیار فلسطینیان قرار دهد. (۱)

همچنین باراک حاضر شد امتیازات ظاهری بیشتری را در مسئله بیت المقدس به فلسطینیان واگذار کند تا شاید بتواند رضایت فلسطینیان را برای امضای توافق نامه سازش جلب کند و زمینه را برای انتخاب مجدد خود فراهم آورد. با توجه به این که

طرف مقابل نیز وضعیت باراک را درک می کرد، به منظور اعطای امتیاز، به ادامه مذاکرات با وی تن دادند، اما به دلیل وضعیت کاملاً نابسامان باراک، این مذاکرات به سرانجامی نرسید. فلسطینیان با تداوم انتفاضه و دنبال کردن یک جنگ فرسایشی توانستند باراک را مجبور به عقب نشینی از مواضع سخت و اولیه خود کنند. آنها به خوبی دریافته بودند که تنها در سایه انتفاضه می توان اسرائیل را وادار به تسلیم در برابر خواسته های فلسطینیان کرد و آرمانهای ملت فلسطین و احقاق حقوق آنان (اعلام کشور مستقل فلسطین و بازگشت آوارگان) تنها از طریق مبارزه، تداوم انتفاضه، جنگ فرسایشی و تنگ کردن عرصه بر اسرائیل امکان پذیر است.

### ۳- اتحاد و انسجام احزاب، گروهها و جنبش های فلسطینی

با آغاز و تداوم انتفاضه الاقصی در سرزمین های اشغالی، انسجام و هماهنگی جنبش ها و گروههای فلسطینی افزایش یافت. قبل از آغاز

انتفاضه میان گروهها و جنبش های فلسطینی در نحوه دستیابی به حقوق ملت فلسطین اختلاف نظر وجود داشت. در این میان می توان به سه تقسیم بندی کلی بسنده کرد. جنبش هایی مانند حماس و جهاد اسلامی که مخالف روند سازش بودند و به درستی بر مبارزه با رژیم صهیونیستی اصرار داشتند؛ جنبش فتح موافقت مذاکرات سازش بود و بر این اعتقاد بود که تنها از طریق مذاکره و گفتگو می توان به حقوق ملت فلسطین دست یافت و اما گروههایی مانند جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین و جبهه خلق برای آزادی فلسطین نظرات بنیادینی داشتند. این دو گروه اخیر هر چند با روند صلح موافق بودند، اما با شیوه ای که عرفات آن را دنبال می کرد مخالف بودند. انتفاضه این گروهها و دسته های پراکنده را تحت لوای واحد مبارزه با رژیم صهیونیستی جمع کرد. تمام احزاب و گروهها به این نتیجه رسیدند که باید از طریق دامن زدن به انتفاضه به فشار علیه رژیم اشغالگر ادامه دهند. حتی گروه فتح که از

و موج کشتار مسلمانان دفاع مشخص گردید که علت اصلی بحران در خاورمیانه و سرزمین های اشغالی سیاستهای توسعه طلبانه و تجاوزکارانه رژیم اشغالگر است نه مبارزه جویی های ملت فلسطین. از طرف دیگر، بعد از شکست مذاکرات کمپ دیوید، عرفات به دنبال آن بود تا حمایت مجامع بین المللی را برای اعلام کشور مستقل فلسطین بدست آورد. در این امر ناکام ماند. پس از وقوع انتفاضه در سرزمین های اشغالی، عرفات توانست تا حدودی مجامع منطقه ای و بین المللی را با ملت فلسطین همراه سازد. اجلاس اتحادیه عرب در قاهره، اجلاس کنفرانس اسلامی در دوحه، اعزام نیروهای سازمان حقوق بشر به ریاست مری راینسون به سرزمین های اشغالی اگرچه در کاهش فشارهای رژیم صهیونیستی علیه فلسطینیان و کاستن از آلام آنان نقشی نداشته، اما همگی به نوعی حمایت از ملت مظلوم فلسطین و در راستای رساندن

طرفداران اصلی ادامه مذاکرات با اسرائیل بود و ۷ سال این سیاست را دنبال می کرد، به این نتیجه رسید که منافع فلسطینیان از طریق مبارزه برآورده خواهد شد.

#### ۴- جلب حمایت بین المللی

یکی دیگر از دستاوردهای مثبت انتفاضه برای فلسطینیان این بود که حمایت مجامع بین المللی از قبیل سازمان ملل با مجمع عمومی، سازمان دفاع از حقوق بشر، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب و سایر کشورهای منطقه را بگونه ای گسترده تر جلب کرد. انتفاضه الاقصی باعث شد ندای مظلومیت ملت فلسطین به گوش جهانیان برسد و پرده از ماهیت رژیم صهیونیستی بردارد. صهیونیست ها با نفوذ در رسانه های گروهی اعم از خبرگزاریهای مهم جهان، روزنامه های اروپایی و سایر مجاری اطلاع رسانی، بگونه ای در افکار عمومی جهانیان تأثیر منفی گذاشته بودند که گویا سرزمین فلسطین حق مشروع و ملک مطلق یهودیان است. پس از انتفاضه الاقصی

پیام مظلومیت این ملت به گوش جهانیان می باشد.

### ب: هزینه ها

دستاوردهای فلسطینیان از آغاز انتفاضه و تداوم آن به طور کامل مثبت نبوده بلکه آنها برای به دست آوردن این دستاوردها، هزینه هایی را نیز پرداخت کرده اند که به موارد ذیل می توان اشاره کرد:

#### ۱- خسارات جانی

بیشترین خساراتی که فلسطینیان از تداوم درگیری با اسرائیل متحمل شدند، کشته و زخمی شدن تعداد بی شماری از کودکان و جوانان فلسطین می باشد. آمار و ارقام کشته ها و زخمی های انتفاضه - حدود ۳۵۰ فلسطینی - بیانگر آن است که اکثر کشته ها و زخمی شدگان فلسطینی اند و تعداد بسیار کمی از اسرائیلی ها نسبت به فلسطینی ها متحمل خسارات جانی شده اند دلیل عمده این است که نیروهای ارتش اسرائیل، از شعله ور شدن انتفاضه در تمامی سرزمین های اشغالی نگران شده و آن را به صورت یک جنگ تمام عیار تلقی کرده و بر

مدرن ترین سلاحهای جنگی از قبیل گلوله های جنگی با روکش پلاستیکی، گازهای شیمیایی، موشک های لاو، تانک، بالگردهای مسلح در خصمانه ترین حالت و حتی گلوله های اورانیوم ضعیف شده هلیکوپتر متوسل شده اند در حالی که سلاح فلسطینیان سنگ، چوب، بطری آتش زا و در خصمانه ترین حالت اسلحه کلاشینکف مورد استفاده قرار می گیرد.

اکثر شهدای فلسطینی را جوانان و بیش از ۱/۳ آنان را کودکان تشکیل می دهند. کشتار جوانان فلسطینی از سوی نیروهای ارتش اسرائیل، بسیار حساب شده و دقیق صورت می گیرد، زیرا این اقدام باعث می گردد تا نیروهای جوان فلسطینی که مستعد مبارزه اند از بین بروند و به این ترتیب، ابتکار عمل از دست فلسطینیان خارج گردد.

#### ۲- خسارت های اقتصادی

در پی تشدید درگیریها و استمرار انتفاضه در سرزمین های اشغالی فلسطینیان متحمل خسارات اقتصادی

درآمد کارگرانی که در خارج از فلسطین مشغول بکارند، کارگاههای صنعتی کوچک، جهانگردی و کمک های خارجی تأمین می شود، با آغاز انتفاضه کسب درآمد توسط این منابع دچار اختلال شده است. در پی تداوم انتفاضه، حملات نظامی و تحریم های اقتصادی اسرائیل، خسارتهای فراوانی به بخشهای کشاورزی و کارگری فلسطین وارد آورد. براساس آمار، حدود ۱۲۵ هزار کارگر فلسطینی که قبل از آغاز انتفاضه در سرزمین های اشغالی مشغول بکار بودند، با شروع انتفاضه به جمع بیکاران پیوستند، بطوری که میزان بیکاری در نوار غزه به ۴۵ درصد رسید. علاوه بر خسارات اقتصادی، فشارهای دیگری از سوی رژیم صهیونیستی برای خاموش کردن انتفاضه به ملت فلسطین تحمیل شده است. که به صورت خلاصه به آن اشاره می گردد.

- در طول انتفاضه، کرانه باختری از نوار غزه جدا شده و هر دو ناحیه نیز

فراوانی شده اند. تشکیلات خودگردان نیز که منابع مالی آن عمدتاً از داخل اراضی اشغالی تأمین می شد دچار گرفتاری شدید اقتصادی گردید. آمار و ارقام بیش از یک میلیارد دلاری که از جانب محققان اعلام شده است، از عمق خسارات مالی به فلسطینیان حکایت می کند. در اثر درگیریها ۲۶۰ هزار کارمند در کرانه باختری و نوار غزه بیکار شده اند، و از آنجایی که هر یک از این افراد، امرار معاش چندین نفر را برعهده دارند، در حدود یک میلیون فلسطینی از زیانهای شدید اقتصادی آسیب دیده اند. علاوه بر این، انتفاضه باعث رشد و افزایش فقر در جامعه فلسطین شده است. براساس آمار منتشر شده، حدود ۵۰ درصد فلسطینیان زیر خط فقر زندگی می کنند، در حالی که آمار موجود نشان می دهد که قبل از آغاز درگیریها حدود ۲۰ درصد از فلسطینیان زیر خط فقر به سر می بردند. (۱)

با توجه به این که منابع درآمدی اقتصاد تشکیلات خودگردان از طریق کشاورزی،

۱- روزنامه القدس، ۱۳/۹/۱۳۷۹-۳ دسامبر ۲۰۰۰

فلسطینی بعضاً به مدت یک هفته و بیشتر جلوگیری می کنند.

### ۳- تزلزل در رهبری بلامنازع:

حرکت خودجوش فلسطینیان در سرزمین های اشغالی باعث گردیده است رهبری از دست عرفات خارج گردد. هر چند عرفات به دلایلی با روند انتفاضه موافق است و از آن حمایت می کند، اما این ادعای اسرائیل که وی مسئول اصلی انتفاضه و تداوم درگیریها می باشد، چندان قابل پذیرش نیست. به سخن دیگر، انتفاضه تبدیل به یک حرکت مردمی مستقل شده است که به دلیل پاره ای از شرایط عرفات قادر نیست از آن بگریزد. از سوی دیگر با توجه به تحولات موجود در منطقه فلسطینیان دریافته اند که تنها راه حل مشکل فلسطین، ادامه جنگ و نابودی اسرائیل است، این احتمال وجود دارد که اشخاصی مانند مروان برغوثی دبیرکل فتح در کرانه باختری، در صدد باشد تا رهبری را از دست عرفات بریاید و با سوار شدن بر موج انتفاضه، توجه فلسطینیان را به خود جلب کند.

بطور کامل از بیت المقدس جدا شده اند. علاوه بر این، تمام شهرهای اصلی از یکدیگر جدا شده و در محاصره ارتش رژیم صهیونیستی قرار گرفته اند. در نتیجه بسیاری از فلسطینیان اجازه ندارند به محل کار یا دیدار خانواده هایشان بروند.

- نیروهای ارتش اسرائیل از رسیدن کمکهای بشر دوستانه که کشورهای اسلامی و سازمانهای مدافع حقوق بشر برای کمک به ملت مظلوم فلسطین ارسال می دارند، جلوگیری می کنند. در حالی که آمار بالای مجروحان انتفاضه و شدت جراحات وارده بر مسلمانان فلسطینی، کمکهای دارویی و غذایی فوری بین المللی را می طلبد، اما اسرائیل به خاطر افزایش فشار از دستیابی فلسطینیان به این کمکها جلوگیری می کند.

- مراکز ایست و بازرسی رژیم صهیونیستی با شدت بسیار، رفت و آمد فلسطینیان را کنترل می کنند و راههای مواصلاتی شهرهای فلسطینی را قطع کرده و از رسیدن سوخت و مواد غذایی به شهرهای

نکته ای نیست که از دید ناظران و حتی مردم عادی مخفی مانده باشد. شواهد و قرائن موجود همگی حاکی از آن است که اسرائیل عامل اصلی شروع و کشتار انتفاضه در سرزمین های اشغالی است. بر همین اساس اکثر کشورهای جامعه بین المللی اسرائیل را به اتهام اشغالگری، توسعه طلبی و تجاوز به حقوق ملت فلسطین محکوم کرده اند. در حال حاضر بزرگترین نگرانی اسرائیل، ادامه انتفاضه در منطقه است بر همین اساس می کوشد تا به هر نحو ممکن آن را کنترل و خاموش نماید و برای نیل به این هدف به تمامی ابزارها و امکانات ممکن (حمله نظامی، محاصره اقتصادی، ترور رهبران انتفاضه - مذاکره و گفتگو) متوسل شده است.

۱- رژیم صهیونیستی بر این اعتقاد است که کنترل فلسطینیان باید توسط خود آنها صورت گیرد، زیرا تحقق این امر هزینه کمتری برای اسرائیل دارد. تاکنون تشکیلات خودگردان به رهبری عرفات ایس خواسته اسرائیلی ها را برآورده ساخته است و اگر زمانی مقامات رژیم صهیونیستی احساس کنند که عرفات کارآیی خود را از دست داده است و دیگر قادر نیست امنیت آنان را تأمین کند، فرد دیگری را جانشین وی خواهند کرد.

رهبری عرفات تنها از سوی فلسطینیان تهدید نمی شود بلکه ممکن است واکنش انفعالی در برخورد با فلسطینیان، همگامی وی با انتفاضه، عدم انجام تعهدات براساس توافق نامه های امضاء شده، اسرائیلی ها را به این نتیجه برساند که عرفات کارآیی خود را از دست داده است. به عبارت دیگر زمینه را برای روی کار آمدن کسی فراهم کنند که بتواند روند انتفاضه را خاموش و مذاکرات سازش را آغاز کند. (۱)

#### ۴- کاهش حمایت آمریکا

بررسی سیر تاریخی تحولات خاورمیانه حاکی از آن است که در صورت تقابل و برخورد منافع اسرائیل و دشمنان این کشور، آمریکایی هیچ تردید و تأملی به نفع اسرائیل جبهه گیری کرده است. تأمین منافع اسرائیل در خلال تاریخ پنجاه و سه ساله این کشور در صدر اولویت های آمریکا قرار داشته است.

حمایت جانبدارانه آمریکا از اسرائیل در طول مذاکرات سازش



روش مذاکره و گفتگو یکی از راههایی است که رژیم صهیونیستی برای خاموش کردن انتفاضه، از آن بهره جسته است، استفاده از چنین ابزاری بدون حمایت و تلاش آمریکا و شخص کلینتون مقدور نیست. بدون شک برگزاری اجلاس پاریس، اجلاس شرم الشيخ، مذاکرات واشنگتن، طابا و... همگی تلاشی برای پایان دادن به درگیریها در منطقه با هدف حفظ منافع اسرائیل از سوی آمریکا انجام گرفته است. علاوه بر این با شروع انتفاضه، آمریکا کمکهای اقتصادی خود را به تشکیلات خودگردان قطع کرده است. بنابراین هر چند کفه حمایت آمریکا به نفع اسرائیل سنگینی کند، در مقابل از حمایت ایالات متحده به نفع یاسر عرفات و تشکیلات خودگردان کاسته خواهد شد.

#### ۵- قطعنامه های سازمان ملل:

از سال ۱۹۴۸ سازمان ملل قطعنامه های متعددی را در محکومیت رژیم اشغالگر قدس و دفاع از حقوق ملت فلسطین صادر کرده است که

مهمترین این قطعنامه ها عبارتند از قطعنامه های ۳۳۸ و ۲۴۲. با آغاز روند صلح در سال ۱۹۹۱ و امضای موافقت نامه اسلو در سال ۱۹۹۳ پایه های قطعنامه های ۳۳۸ و ۲۴۲ سست گردید. اسرائیل از عقب نشینی از کل سرزمین های اشغالی ۱۹۶۷ امتناع کرد و این موضوع حتی به تأیید تشکیلات خودگردان نیز رسید. این موفقیت اسرائیلی تنها در سایه صبر دیپلماسی پنهان، مرور زمان و خودباختگی برخی عناصر سازشکار امکان پذیر گردید. رژیم صهیونیستی با تجربه چنین موفقیتی در صدد است تا قطعنامه ۱۹۴ سازمان ملل در خصوص حمایت از آوارگان فلسطینی را نیز از چند انتفاع ساقط کند. براساس قطعنامه ۱۹۴، آوارگان فلسطینی حق بازگشت به وطن خود و دریافت غرامت را دارند. اما رژیم صهیونیستی از اجرای این قطعنامه سرباز می زند و با بازگشت آوارگان مخالفت می کند. بعد از مذاکرات کمپ دیوید دوم، پیشنهادهایی برای حل مسأله آوارگان مطرح شد که بسیار مبهم بود و با

برخی دیگر معتقدند انتفاضه الاقصی یک حرکت صرفاً مستقل و مردمی است و عرفات نه تنها با آن مخالفت است بلکه درصدد خاموش کردن انتفاضه نیز برآمده است گواه این امر حضور مقامات تشکیلات خودگردان در مذاکرات سازش با مقامات اسرائیلی و دستگیری فعالان سیاسی فلسطینی در اراضی حکومت خودگردان است.

اما نکته اصلی این است که از هیچ یک از دو دیدگاه فوق نمی توان بطور مطلق دفاع و یا آن را رد کرد. بنابراین دیدگاه سومی را می توان مطرح کرد. پیروان این نظریه معتقدند انتفاضه ای که کل سرزمین های فلسطینی را فرا گرفته است یک حرکت گسترده و مردمی است که عرفات نیز بطور ضمنی از آن حمایت می کند. مردمی که در تظاهرات و درگیریها شرکت جسته اند و با آغوشی باز از شهادت استقبال می کنند با زور نیروهای نیز عرفات در صحنه حاضر نشده اند بلکه به اراده خود، به مبارزه علیه سربازان اسرائیلی می پردازند. بنابراین انتفاضه مردمی و

شرایط عنوان شده از سوی اسرائیل تنها ۷۰/۰۰۰ الی ۱۰۰/۰۰۰ فلسطینی مشمول بازگشت به وطن خود می شدند. بعد از شروع انتفاضه مذاکرات سازش همچنان ادامه داشت، اما عدم توافق طرفین درباره بیت المقدس و آوارگان، مانع از دستیابی طرفین به توافق و کنترل انتفاضه گردید.

### نتیجه گیری

انتفاضه الاقصی تحولی بسیار بزرگ است که در تاریخ فلسطین کم سابقه است زیرا ملت فلسطین به این نتیجه رسیدند که حقوق آنها از طریق مذاکرات سازش با رژیم صهیونیستی برآورده نمی شود و تنها در سایه مبارزه با رژیم اشغالگر و نابودی کامل این رژیم، حقوق ملت فلسطین برآورده خواهد شد. در رابطه با تداوم انتفاضه از سوی فلسطینیان دو دیدگاه مطرح است:

برخی از ناظران معتقدند انتفاضه در دستان عرفات است و وی قادر است هر لحظه انتفاضه را سرکوب، خاموش یا شعله ور سازد. در مقابل

ثابت گردیده این است که هر چند عرفات در آغاز انتفاضه نقش چندانی نداشت اما با آغاز انتفاضه سوار بر این موج شد تا به بهترین نحو ممکن از فرصت به دست آمده بهره برداری کند. البته عرفات و فلسطینیان در بهره برداری از فرصت های به دست آمده متحمل پرداخت هزینه های نیز شدند، که در این نوشتار سعی شد بر آنها اشاره گردد.

مستقل است. اما از سوی دیگر شواهد امر حاکی از آن است که عرفات از انتفاضه حمایت می کند، چرا که براساس توافق نامه های سازش اسلو و وای ریور، نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان موظف هستند که تظاهرات و آشوبهای فلسطینی را سرکوب کنند، اما نیروهای امنیتی تشکیلات عرفات با تظاهرکنندگان برخورد جدی نمی کنند. اما آنچه که در طول انتفاضه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی